

بررسی چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی در دانشگاه شهید بهشتی

نویسندگان: کورش فتحی و اجارگاه^۱، محبوبه عارفی^۲ و حامد زمانی منش^{۳*}

۱. استاد گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی
۲. دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی
۳. دانشجوی دکتری علوم تربیتی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

Hzm64@yahoo.com

* نویسنده مسئول: حامد زمانی منش

چکیده

پژوهش حاضر با هدف «بررسی چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی در دانشگاه شهید بهشتی»^۱ به روش توصیفی-پیمایشی صورت گرفته است. جامعه آماری پژوهش، ۵۷۵ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی بودند که تعداد ۲۳۰ نفر از آنها به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم و براساس جدول کرجسی و مورگان به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته بود که روایی و پایایی آن، تأیید شد. جهت تحلیل داده‌ها از آزمون‌های تی تک‌نمونه‌ای، تی دو گروهی مستقل، تحلیل واریانس یک‌راهه، آزمون تعقیبی شفه و آزمون اولویت‌بندی فریدمن، استفاده شده است. مهم‌ترین یافته‌ها عبارت بودند از اینکه چالش‌های مالی، فرهنگی، فناورانه، ساختاری، دیپلماتیکی و دانشگاهی در سطح ۰/۰۵ معنادار است؛ همچنین از دید اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، مهم‌ترین چالش‌هایی که آموزش عالی بین‌المللی با آنها مواجه است به ترتیب، چالش‌های «فرهنگی، ساختاری، دیپلماتیکی، فناورانه، مالی و دانشگاهی» هستند.

کلید واژه‌ها: جهانی‌شدن، بین‌المللی‌شدن، آموزش عالی بین‌المللی، دانشگاه شهید بهشتی.

پژوهش‌های آموزش و یادگیری

(دانشور و دانشاوری)

• دریافت مقاله: ۹۰/۰۸/۱۰

• پذیرش مقاله: ۹۱/۰۳/۲۲

*Scientific-Research
Journal of Shahed
University*

*Twentieth Year, No.3
Autumn & Winter
2013-14*

**Training & Learning
Researches**

دوفصلنامه علمی- پژوهشی
دانشگاه شاهد

سال بیستم- دوره جدید
شماره ۳

پائیز و زمستان ۱۳۹۲

این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

مقدمه

آموزش در بُعد بین‌المللی پدیده‌ای به‌نسبت جدید است که متأثر از دو عامل جهانی شدن^۱ و بین‌المللی شدن آموزش عالی^۲ است و این پدیده‌ها موجب تغییر جدی در سناریوهای آموزشی به‌ویژه در بخش آموزش عالی شده‌اند. نایت^۳، جهانی شدن در آموزش عالی را فرایندی توصیف کرده که به موجب آن، یک دانشکده یا دانشگاه بُعد بین‌المللی را در آموزش، پژوهش و کارکردهای خدماتی خود تلفیق کند [۱]. جهانی شدن تأثیرهایی گسترده بر ساختارها، روش‌ها، برنامه‌ها و عملکرد دانشگاه‌های جهان برجای گذاشته که از مهم‌ترین این تأثیرها، گسترش بازار آموزش عالی بین‌المللی، پذیرش دانشگاه به‌عنوان یک صنعت بین‌المللی و اعتباربخشی بین‌المللی است [۲]. اگرچه دانشگاه‌ها از اوان شکل‌گیری، جنبه‌هایی از جهانی شدن را با خود داشته‌اند، اما این مفهوم در عصر حاضر، ابعادی گسترده‌تر و ژرف‌تر پیدا کرده و بازنمود آن، بین‌المللی شدن آموزش عالی است [۳]. بین‌المللی شدن آموزش عالی، فرایند آماده‌سازی جوامع برای مشارکت موفقیت‌آمیز در یک دنیای وابسته به هم و عاملی در پرورش فهم جهانی و توسعه روش‌های بهبود کار و زندگی مؤثر در دنیای متنوع اطراف است [۴]. بین‌المللی شدن به بسط و توسعه آموزش عالی اشاره دارد و بر فرایند راهبردی گنجاندن بُعد بین‌المللی در تمامی ابعاد آموزش عالی تأکید می‌کند [۵]. بین‌المللی شدن آموزش عالی، راهبرد و سیاستی انتخابی است که دولت‌ها برای مواجهه و بهره‌برداری مناسب از فرایندهای جهانی شدن به‌کار می‌گیرند [۱]:

به‌هرحال، تعاریفی جامع و فراگیر درخصوص بین‌المللی شدن آموزش عالی وجود ندارند، اما اغلب، این پدیده به «فرایند تلفیق ابعاد بین‌المللی، بین فرهنگی و جهانی در اهداف، کارکردها و نحوه ارائه آموزش عالی» گفته می‌شود [۶] و هدف آن، توسعه دانش، توانایی‌ها،

نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که در سطح بین‌المللی شناخته شده‌اند [۷]. نایت دلایل منطقی بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها را به‌صورت زیر گروه‌بندی کرده است:

- دلایل سیاسی: جایگاه و نقش کشور را در سطح جهان ارتقا بخشیده، در ایجاد امنیت، صلح، ثبات و نفوذ ایدئولوژیکی یاری می‌رساند.
- دلایل اقتصادی: به توسعه منابع انسانی مورد نیاز برای افزایش توان رقابتی کشور در سطح بین‌المللی کمک می‌کند.
- دلایل علمی: به اجرای استانداردهای بین‌المللی درخصوص کیفیت تدریس و پژوهش کمک می‌کند.
- دلایل فرهنگی و اجتماعی: باعث درک و شناخت فرهنگ و زبان خارجی و تأکید بر نقش و جایگاه فرهنگ و زبان خودی می‌شود [۱].

لِفتَر و باگدن^۴، عواملی را که بر دانشگاه‌ها برای بین‌المللی شدن فشار می‌آورند به شرح زیر بیان کرده‌اند:

۱. سیر تکاملی بازار کار: جامعه علاوه بر داشتن دانش نظری و مهارت‌های عملی به دانشجویانی، نیازمند است که از زبان‌های خارجی و مهارت‌های اجتماعی و چندفرهنگی، آگاه باشند.
۲. تخصصی شدن تحقیقات علمی: تخصصی شدن، اغلب فرایندی را می‌طلبد که در سطح محلی، ناکافی است و به تأسیس شبکه‌ها و مؤسسات علمی بین‌المللی منجر می‌شود.
۳. جذب دانشجویان خارجی: جذب این دانشجویان به توسعه برنامه‌های آموزشی، پژوهشی و تأمین منابع مالی برای دانشگاه منجر می‌شود.
۴. به‌کارگیری جدیدترین فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی: این فناوری‌ها فواصل جغرافیایی را از میان برداشته، موجب ارائه خدمات علمی با کیفیت بهتر می‌شوند [۸].

بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها، پیامدهای مثبت فراوانی مانند «گسترش مهارت‌های ارتباطی بین فرهنگی [۹]،

1 . Globalization
2 . Internationalization Higher Education
3 . Knight

4 . Lefter & Bogdan

سنگ‌های معدنی، چهارمین بخش بزرگ درآمدی این کشور محسوب می‌شود [۲۳]. تقاضای جهانی برای آموزش عالی بین‌المللی به سرعت رشد کرده، همچنان‌که براساس گزارش سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۱۰ جابه‌جایی دانشجویان خارجی، رشدی صعودی داشته؛ به طوری که تعداد کلی جابه‌جایی از ۶۰۰ هزار دانشجو خارجی در سال ۱۹۷۵ به بیش از ۳/۳ میلیون نفر در سال ۲۰۰۸ رسیده است [۲۴]؛ در این میان، پنج کشور ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان و استرالیا بیش از ۰/۵۰ درصد از دانشجویان خارجی را به خود اختصاص داده‌اند [۲۵]؛ همچنین پیش‌بینی شده در سال ۲۰۲۵، تعداد این دانشجویان از مرز ۷ میلیون گذر کنند [۲۶]. طی ده سال گذشته، طبقه‌بندی متنوعی از رویکردهای آموزش عالی بین‌المللی ارائه شده است. به‌رغم تنوع موجود، چهار رویکرد رایج در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. رویکرد فعال: رویکرد مزبور با اصطلاح آموزش عالی بین‌المللی در سال‌های ۱۹۷۰ و اوایل ۱۹۸۰، مترادف است و فعالیت‌هایی مانند برنامه‌ریزی درسی، مبادله دانشکده/دانشجو، حمایت فنی و دانشجویان بین‌المللی را دربرمی‌گیرد.

۲. رویکرد صلاحیت: این رویکرد به توسعه مهارت‌ها، دانش، نگرش و ارزش‌ها در میان دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان آموزشی تأکید دارد؛ در این رویکرد، توسعه برنامه‌های درسی بین‌المللی شده تنها هدف نیست بلکه خود وسیله‌ای است که مهارت‌های دانشجویان، اعضای هیئت علمی و کارکنان آموزشی را بهبودمی‌بخشد.

۳. رویکرد ارزشی: این رویکرد بیشتر، نظریه‌های رشد سازمانی را شرح می‌دهد که به ایجاد جوی فرهنگی مناسب درون یک سازمان به‌منظور حمایت از مجموعه‌ای از اهداف و اصول ویژه تأکید دارد.

۴. رویکرد فرایندی: رویکرد مزبور بر یکپارچگی ابعاد بین فرهنگی یا بین‌المللی در تدریس، پژوهش و خدمات آموزشی از طریق مجموعه‌ای از فعالیت‌ها،

آموزش برای شهروند جهانی [۵]، انتقال فناوری [۱۰]، افزایش زمینه‌های مطالعاتی [۱۱]، تقویت روابط دیپلماتیک [۱۰]، فرصت برای جذب نخبگان خارجی، افزایش همکاری‌های بین‌المللی، تقویت تحقیق‌ها و تولیدهای علمی، بهره‌وری اقتصادی و منافع مالی [۱۲] را به‌همراه دارد با این حال در کنار این مزایا، خطرهایی نظیر «تهدیدی برای فرار نخبگان [۱۳]، ضعیف‌شدن قوانین مهاجرتی [۱۰]، تعارض میان نقش دانشگاه به‌عنوان سازمان سیاسی و ملی [۱۴]، رقابت میان دانشکده و گروه‌های آموزشی برای منابع مالی و انسانی [۱۵]، یکسان‌سازی برنامه‌های درسی، زیاده‌روی در استفاده از زبان انگلیسی و تجاری‌سازی برنامه‌های درسی [۱۲]» وجود دارد. آموزش عالی بین‌المللی، شکلی محسوس و عینی‌تر از بُعد بین‌المللی‌شدن آموزش عالی است [۵ و ۱۶] و ویژگی‌هایی را در فراگیران پرورش می‌دهد که بُعد بین‌المللی داشته باشند و مطلوب اقتصاد جهانی باشند که از مهم‌ترین این ویژگی‌ها می‌توان به سعه صدر، گرایش‌های بین‌المللی، مهارت در به‌کارگیری زبان دوم، انعطاف‌پذیری در اندیشه و احترام به دیگران اشاره کرد [۱۷ و ۱۸].

صاحب‌نظران مختلف بر این نکته تأکید داشته‌اند که جابه‌جایی دانشجویان^۲، یکی از برجسته‌ترین شاخص‌های آموزش عالی بین‌المللی است [۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲]. روند رو به رشد دانشجویان خارجی، باعث شده تا در بعضی از کشورها (مانند آمریکا، استرالیا، انگلستان، نیوزیلند و...)، این پدیده تا به آن حد پیشرفت کند که از عوامل تأثیرگذار در رشد تولید ناخالص داخلی، گذار به سوی دانش اقتصادی جدید و باقی‌ماندن در رقابت‌های جهانی محسوب شود؛ به‌عنوان نمونه، پذیرش دانشجویان خارجی نزدیک به ۲۰ میلیارد دلار برای اقتصاد ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۱۰ سودآوری داشته است؛ همچنین در استرالیا این صنعت تا به آن حد پیش‌رفته که پس از زغال سنگ، سنگ آهن و

1. International Higher Education
2. Mobility Students

انتخاب کشوری برای ادامه تحصیل، توسط دانشجویان خارجی است. در جدول ۱، سطوح پرداخت شهریه برای دانشجویان خارجی در کشورهای حوزه توسعه و همکاری اقتصادی^۴ بیان شده است [۲۴].

ارتباطی زیاد، میان جذب دانشجویان خارجی و عواملی مانند پیوند تاریخی، زبان مشترک و نظام آموزشی مشابه وجود دارد؛ به عنوان نمونه جابه‌جایی دانشجویان، میان مالزی، سنگاپور و چین به‌طور قابل ملاحظه‌ای به دلیل شباهت‌های زبانی، اجتماعی و فرهنگی است [۳۳]. شهرت علمی دانشگاه‌ها، نزدیکی جغرافیایی، نظام‌های آموزشی مشابه، ارتباطات تاریخی، وجوه فرهنگی، شفافیت و انعطاف‌پذیری دروس ارائه شده و فرصت‌های شغلی ایجاد شده از عوامل تأثیرگذار برای جذب دانشجویان خارجی به‌شمار می‌آیند [۲۸]؛ سیاست‌های ملی، سیاست‌های مهاجرتی و گسترش مراکز منطقه‌ای برای ایجاد فرصت‌های آموزشی از عوامل تأثیرگذار دیگرند [۲۴].

در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله (افق ۱۴۰۴)، ایران کشوری «دست‌یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل» توصیف شده است و براساس برنامه چهارم توسعه، فصل چهارم ماده ۲۵: «دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی می‌توانند برای تأمین بخشی از هزینه‌های خود، نسبت به جذب دانشجویان خارجی یا دانشجویان ایرانی که در دانشگاه‌های سایر کشورها در رشته تحصیلی مورد تأیید وزارت علوم و بهداشت به تحصیل اشتغال دارند، اقدام کنند» [۲۵]؛ با توجه به این تأکیدها، باز مراکز آموزش عالی کشور در این زمینه، وضعیتی نامطلوب دارند همچنان‌که براساس گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری بیش از ۳ میلیون

سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها تأکید دارد [۲۷].

مهم‌ترین عوامل رشد سریع دانشجویان خارجی در چند دهه اخیر، گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT)، سریع‌تر و ارزان‌تر شدن ارتباطات اقتصادی و اجتماعی، کاهش هزینه حمل‌ونقل [۲۸]، توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای آسیایی [۲۹]، افزایش ثروت خانواده‌ها، کمبود ظرفیت برخی از کشورها در زمینه آموزش عالی، افزایش علاقه تحصیل خارج از کشور [۲۶] و ... است. عاملی بسیار مهم در انتخاب کشوری برای ادامه تحصیل، آشنایی با زبان آن کشور است؛ بنابراین کشورهایی که زبان آنها به‌طور گسترده، مورد استفاده قرار می‌گیرد (مانند انگلیسی، فرانسوی و آلمانی)، بیشتر مورد توجه دانشجویان خارجی قرار می‌گیرد [۲۴]. وربیک و لیزنسکی^۱ می‌گویند تدریس به زبان انگلیسی، یکی از عوامل تأثیرگذار در زمینه جذب دانشجویان خارجی به‌وسیله سه کشور ایالات متحده، انگلستان و استرالیا است [۳۰]. رومن و سسیو^۲ بیان می‌کنند که زبان آموزشی دانشگاه‌ها، به‌رسمیت‌نشناختن مدرک تحصیلی، موانع نگرشی و موانع فرهنگی/اجتماعی از مهم‌ترین موانع جابه‌جایی دانشجویان خارجی است [۳۱]. شیمبون^۳ گزارش داده که هیئت دولت ژاپن پیشنهادها را زیر را برای افزایش دانشجویان خارجی ارائه دادند:

۱. معرفی آزمون زبان ژاپنی واحد برای دانشجویان خارجی؛
 ۲. گسترش نظام بورس تحصیلی برای دلگرم کردن دانشجویان خارجی؛
 ۳. برگزاری سال تحصیلی در ماه سپتامبر (سال شروع تحصیل در بیشتر کشورها)؛
 ۴. برگزاری کلاس‌هایی بیشتر به زبان انگلیسی؛
 ۵. اتخاذ سیاست انطباق هرچه بیشتر نظام گردش پولی [۳۲].
- هزینه زندگی و شهریه تحصیلی از عوامل مهم در

4 . Organization for Economic Co-operation and Development (OECD)

1 . Verbik & Lasanowski
2 . Roman & Suciu
3 . Shimbun

شرایط، پژوهش حاضر با هدف بررسی چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی در دانشگاه شهید بهشتی انجام گرفته است.

دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی ایران به تحصیل مشغول‌اند که از این تعداد، نزدیک به ۲۵۰۰ نفر از آنها، دانشجویان خارجی هستند [۳۶]؛ با توجه به این

جدول ۱. سطوح پرداخت شهریه برای دانشجویان خارجی در کشورهای حوزه توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۱۰

استرالیا، اتریش، بلژیک، کانادا، چک، دانمارک، استونی، ایرلند، هلند، نیوزیلند، ترکیه، انگلستان و آمریکا	شهریه تحصیلی دانشجویان خارجی از داخلی، بالاتر است.
فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، مکزیک و اسپانیا	شهریه تحصیلی دانشجویان داخلی و خارجی، یکسان است.
فنلاند، ایسلند، نروژ و سوئد	دانشجویان داخلی و خارجی، شهریه تحصیلی پرداخت نمی‌کنند.

پنج ارزشی لیکرت بوده که رویی صوری و محتوایی، مورد تأیید متخصصان دانشگاهی قرارگرفت و پایایی با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده که در جدول ۲، مشخص شده است.

جدول ۲. ضریب آلفای کرونباخ

چالش‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
چالش‌های فرهنگی	۰/۸۸۳
چالش‌های ساختاری	۰/۸۰۱
چالش‌های دیپلماتیک	۰/۸۴۳
چالش‌های فناورانه	۰/۸۲۱
چالش‌های مالی	۰/۷۹۱
چالش‌های دانشگاهی	۰/۸۳۹

شیوه تحلیل داده‌ها

برای تحلیل پرسش‌های پژوهش از آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و آزمون‌های آماری (t تک‌نمونه‌ای، t دوگروهی مستقل، تحلیل واریانس یک‌طرفه، آزمون تعقیبی شفه و آزمون اولویت‌بندی فریدمن) استفاده شده است.

یافته‌ها

• بررسی پرسش اول پژوهش: از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تأثیر چالش‌های مالی، فرهنگی، فناورانه، ساختاری، دیپلماتیک و دانشگاهی در آموزش عالی بین‌المللی به چه میزان است؟؛ یافته‌ها بیانگر آن بود که از نظر اعضای هیئت

پرسش‌های پژوهش

- از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تأثیر چالش‌های مالی، فرهنگی، فناورانه، ساختاری، دیپلماتیک و دانشگاهی در آموزش عالی بین‌المللی به چه میزان است؟
- از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، اولویت‌بندی چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی به چه صورتی است؟
- آیا میان دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی برحسب متغیرهای تعدیل‌کننده جنسیت و مرتبه دانشگاهی درخصوص چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی، تفاوتی معنادار وجود دارد؟

روش پژوهش

روش پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و چگونگی جمع‌آوری اطلاعات از جمله پژوهش‌های توصیفی و از میان پژوهش‌های توصیفی، جزو تحقیق‌های پیمایشی است.

جامعه آماری، برآورد نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر، شامل تمامی اعضای هیئت علمی (N= ۵۷۵) دانشگاه شهید بهشتی بود که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان، ۲۳۰ نفر با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند.

ابزار پژوهش

ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته مبتنی بر طیف

دیپلماتیک «بسته‌بودن درب‌های آموزش عالی برای اجرایی کردن طرح‌های جدید بین‌المللی» با میانگین (۴/۲۳) و انحراف معیار (۰/۷۹۵) بود و مهم‌ترین چالش دانشگاهی، «عدم ارائه بخشی از برنامه‌های آموزشی به زبان انگلیسی» با میانگین (۳/۹۲) و انحراف معیار (۰/۹۷۳) بوده است؛ همچنین، «t تک‌نمونه‌ای» همه چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی در سطح ۰/۰۵ معنادار بود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که همه چالش‌های یادشده از جمله چالش‌هایی هستند که آموزش عالی بین‌المللی با آنها مواجه است (جدول ۳).

علمی، مهم‌ترین چالش مالی «کمبود بودجه دانشگاه‌ها در راستای بین‌المللی شدن» با میانگین (۳/۷۴) و انحراف معیار (۰/۹۰۳) بود؛ مهم‌ترین چالش فرهنگی، «ضعف در فضای اجتماعی جذاب و برانگیزنده» با میانگین (۴/۰۸) و انحراف معیار (۰/۷۹۴) بود؛ مهم‌ترین چالش فناورانه، «کمبود آزمایشگاه‌های به‌روز در دانشگاه‌ها» با میانگین (۴/۰۳) و انحراف معیار (۰/۸۶۵) بود؛ مهم‌ترین چالش ساختاری، «عدم اعطای استقلال به دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان خارجی» با میانگین (۴/۲۴) و انحراف معیار (۰/۹۰۶) بود؛ مهم‌ترین چالش

جدول ۳. توزیع فراوانی و میانگین نظریات اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی

شاخص‌ها متغیرها	چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی		M	SD
	Sig	T		
چالش‌های مالی	۰/۰۰۰	۱۲/۶۶	۳/۷۴	۰/۹۰۳
	۰/۰۰۰	۷/۸۶	۳/۵۷	۱/۱۲
	۰/۰۰۰	۴/۹۶	۳/۳۳	۱/۰۲
	۰/۰۰۰	۱۱/۶۳	۳/۶۹	۰/۹۱۵
	۰/۰۰۰	۱۳/۵۲	۳/۵۸	۰/۶۵۴
چالش‌های فرهنگی	۰/۰۰۰	۱۵/۶۰	۳/۸۹	۰/۸۷۰
	۰/۰۰۰	۲۰/۹۷	۴/۰۸	۰/۷۹۴
	۰/۰۰۰	۱۵/۹۴	۳/۶۷	۰/۹۷۹
	۰/۰۰۰	۱۱/۱۱	۳/۷۱	۰/۹۸۷
	۰/۰۰۰	۲۳/۸۲	۳/۸۴	۰/۵۳۹
چالش‌های فناورانه	۰/۰۰۰	۱۸/۳۴	۴/۰۳	۰/۸۶۵
	۰/۰۰۰	۱۲/۱۷	۳/۷۷	۰/۹۷۷
	۰/۰۰۰	۴/۰۸	۳/۲۸	۱/۰۷
	۰/۰۰۰	۶/۳۲	۳/۴۵	۱/۰۹
	۰/۰۰۰	۱۴/۲۹	۳/۶۳	۰/۶۶۸
چالش‌های ساختاری	۰/۰۰۰	۷/۵۴	۳/۵۲	۱/۰۶
	۰/۰۰۰	۱۶/۵۱	۴/۰۰	۰/۹۲۶
	۰/۰۰۰	۲۰/۷۶	۴/۲۴	۰/۹۰۶
	۰/۰۰۰	۱۴/۹۵	۳/۸۴	۰/۸۶۵
	۰/۰۰۰	۲۳/۷۰	۳/۸۰	۰/۵۱۸

ادامه جدول ۳. توزیع فراوانی و میانگین نظریات اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی در خصوص چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی

Test Value= 3		SD	M	چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی	شاخص‌ها متغیرها
Sig	T				
۰/۰۰۰	۱۷/۴۹	۰/۸۴۰	۳/۹۶	مشکلات صدور ویزا و روادید	چالش‌های دیپلماتیک
۰/۰۰۰	۱۴/۰۳	۰/۸۹۴	۳/۸۲	روابط و تعامل‌های علمی با کشورهای محدود	
۰/۰۰۰	۷/۷۱	۱/۱۴	۳/۵۷	به رسمیت نشناختن مدارک تحصیلی دانشگاه شهید بهشتی در سایر کشورها	
۰/۰۰۰	۴/۰۸	۰/۹۹۲	۳/۲۶	معرفی نکردن توانمندی‌های علمی دانشگاه‌ها به سایر کشورها	
۰/۰۰۰	۸/۴۱	۱/۰۰	۳/۵۵	عدم تسهیل ورود دانشمندان و استادان برجسته خارجی به کشور	
۰/۰۰۰	۲۴/۷۶	۰/۷۹۵	۴/۲۳	بسته بودن درب‌های آموزش عالی برای اجرایی کردن طرح‌های جدید	
۰/۰۰۰	۸/۱۷	۱/۰۳	۳/۵۵	احساس نیاز نکردن به افزایش دانشجویان خارجی از طرف دولتمردان	
۰/۰۰۰	۱۹/۹۹	۰/۴۷۸	۳/۶۲	جمع کل	
۰/۰۰۰	۱۴/۵۱	۰/۹۷۳	۳/۹۲	عدم ارائه بخشی از برنامه‌های آموزشی به زبان انگلیسی	
۰/۰۰۰	۶/۱۶	۱/۱۰	۳/۴۴	عضویت تعدادی محدود از استادان در مجامع و انجمن‌های بین‌المللی	
۰/۰۰۰	۸/۲۷	۱/۰۲	۳/۵۵	مشارکت محدود اعضای هیئت علمی در طرح‌های تحقیقاتی بین‌المللی	
۰/۰۰۰	۶/۲۹	۱/۰۳	۳/۴۲	کاربرد محدود فناوری‌های نوین در آموزش و تدریس دانشگاهی	
۰/۰۰۰	۱۱/۵۸	۰/۹۵۹	۳/۷۲	برگزاری محدود نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی	
۰/۰۰۰	۱۲/۴۱	۰/۸۰۰	۳/۶۴	خدمات حمایتی پایین به دانشجویان خارجی، نظیر اسکان، مشاوره تحصیلی و ...	
۰/۰۰۰	۸/۸۶	۱/۰۳	۳/۵۹	نداشتن ارتباط‌های مستمر با دانشگاه‌های برتر جهان	
۰/۰۰۰	۱۷/۶۵	۰/۵۵۷	۳/۶۴	جمع کل	

جدول ۴. اولویت‌بندی چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

Sig	خود	df	اولویت‌ها	میانگین‌ها	شاخص‌ها متغیرها
۰/۰۰۰	۷۳/۱۳۵	۵	اول	۴/۰۷	چالش‌های فرهنگی
			دوم	۴/۰۵	چالش‌های ساختاری
			سوم	۳/۳۵	چالش‌های دیپلماتیک
			چهارم	۳/۳۴	چالش‌های فناورانه
			پنجم	۳/۱۱	چالش‌های مالی
			ششم	۳/۰۵	چالش‌های دانشگاهی

میزان شاخص خودی دو به دست آمده، (۷۳/۱۳۵) است و این مقدار در سطح ۰/۰۵ معنادار بود و در جدول زیر، مهم‌ترین چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی به ترتیب بیان شده‌اند (جدول ۴).

• بررسی پرسش دوم پژوهش: از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی، اولویت‌بندی چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی به چه صورتی است؟ نتایج آزمون «اولویت‌بندی فریدمن» نشان داد که

نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای متغیر مرتبه دانشگاهی نشان‌دهنده آن بود که مقدار F چالش‌های فرهنگی و ساختاری در سطح ۰/۰۵، معنادار نبودند در حالی که مقدار F چالش‌های مالی، فناورانه، دیپلماتیک و دانشگاهی به ترتیب «۴/۵۷، ۶/۳۱، ۵/۷۹ و ۷/۳۴» بودند و این مقادیر در سطح ۰/۰۵، معنادار هستند لذا برای تعیین تفاوت معناداری میان میانگین‌های گروه‌های چهارگانه مرتبه دانشگاهی از آزمون تعقیبی شفه استفاده شد که نتایج، تفاوتی معنادار را در سطح ۰/۰۵ نشان دادند، بدین معنا که استادیارها چالش‌های مالی، فناورانه، دیپلماتیک و دانشگاهی را نسبت به دانشیارها در سطحی بالاتر ارزیابی کردند و در چالش‌های دیپلماتیک، استادان این چالش‌ها را نسبت به دانشیارها در سطحی بالاتر ارزیابی کردند (جدول‌های ۶ و ۷).

• بررسی پرسش سوم پژوهش: آیا میان دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی برحسب متغیرهای تعدیل‌کننده جنسیت و مرتبه دانشگاهی در خصوص چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی، تفاوتی معنادار وجود دارد؟ تحلیل انجام شده برای متغیر جنسیت، بیانگر آن است که مقدار T محاسبه شده برای چالش‌های مالی، فرهنگی، فناورانه، ساختاری و دیپلماتیک در سطح ۰/۰۵، معنادار نیست و تفاوتی میان نظریات اعضای هیئت علمی مرد و زن در خصوص چالش‌های یادشده وجود ندارد اما در چالش‌های دانشگاهی، مقدار T محاسبه شده در سطح ۰/۰۵، معنادار و نشان‌دهنده آن بود که اعضای هیئت علمی زن، این چالش‌ها را به نسبت اعضای هیئت علمی مرد در سطحی بالاتر ارزیابی کرده‌اند (جدول ۵).

جدول ۵. آزمون تی گروه‌های مستقل به تفکیک متغیر جنسیت اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

Sig	T	اعضای هیئت علمی زن		اعضای هیئت علمی مرد		شاخص‌ها متغیر
		SD	M	SD	M	
۰/۱۹۷	۱/۲۹	۰/۶۲۴	۳/۵۱	۰/۶۷۰	۳/۶۲	چالش‌های مالی
۰/۹۶۴	-۰/۰۴۶	۰/۵۰۰	۳/۸۲	۰/۵۶۲	۳/۸۴	چالش‌های فرهنگی
۰/۵۴۷	۰/۶۰۴	۰/۶۸۶	۳/۵۹	۰/۶۵۹	۳/۶۵	چالش‌های فناورانه
۰/۸۲۲	-۰/۲۲۵	۰/۴۷۸	۳/۸۱	۰/۵۴۲	۳/۸۰	چالش‌های ساختاری
۰/۲۱۵	-۱/۲۴	۰/۴۸۵	۳/۶۷	۰/۴۶۶	۳/۵۹	چالش‌های دیپلماتیک
۰/۰۳۲	-۲/۱۵	۰/۵۹۴	۳/۷۵	۰/۵۲۷	۳/۵۸	چالش‌های دانشگاهی

جدول ۶. آزمون تحلیل واریانس یک طرفه به تفکیک متغیر مرتبه دانشگاهی اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

ANOVA		استاد		دانشیار		استادیار		مری		شاخص‌ها متغیر
Sig	F (3, 230)	SD	M	SD	M	SD	M	SD	M	
۰/۰۰۴	۴/۵۷	۰/۷۷۰	۳/۵۸	۰/۶۱۸	۳/۳۷	۰/۶۳۹	۳/۷۱	۰/۶۹۲	۳/۵۸	چالش‌های مالی
۰/۰۷۵	۲/۳۳	۰/۴۱۴	۴/۲۵	۰/۴۴۹	۳/۸۰	۰/۵۹۶	۳/۸۲	۰/۴۰۸	۴/۰۰	چالش‌های فرهنگی
۰/۰۰۰	۶/۳۱	۰/۵۴۱	۳/۶۹	۰/۷۷۹	۳/۴۱	۰/۵۲۸	۳/۷۸	۰/۸۵۴	۳/۳۵	چالش‌های فناورانه
۰/۱۰۱	۲/۰۹	۰/۵۴۴	۳/۸۳	۰/۴۵۹	۳/۶۹	۰/۵۴۶	۳/۸۷	۰/۴۷۱	۳/۷۸	چالش‌های ساختاری
۰/۰۰۱	۵/۷۹	۰/۵۶۶	۳/۹۳	۰/۴۸۵	۳/۴۶	۰/۴۱۳	۳/۷۰	۰/۶۲۸	۳/۶۲	چالش‌های دیپلماتیک
۰/۰۰۰	۷/۳۴	۰/۷۱۵	۳/۷۳	۰/۵۲۹	۳/۴۱	۰/۵۲۱	۳/۷۷	۰/۵۷۸	۳/۶۵	چالش‌های دانشگاهی

جدول ۷. آزمون تعقیبی شفه برحسب متغیر مرتبه دانشگاهی در میان اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

Sig	Mean Difference	تفاوت معنادار برحسب متغیر مرتبه دانشگاهی	شاخص‌ها / متغیر
۰/۰۰۴	۰/۳۴۱	استادیار با دانشیار	چالش‌های مالی
۰۰۲	۰/۳۷۱	استادیار با دانشیار	چالش‌های فناورانه
۰/۰۰۵	۰/۲۴۱	استادیار با دانشیار	چالش‌های دیپلماتیک
۰/۰۴۱	۰/۴۶۹	استاد با دانشیار	
۰/۰۰۰	۰/۳۶۰	استادیار با دانشیار	چالش‌های دانشگاهی

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد هدف این پژوهش، بررسی چالش‌های آموزش عالی بین‌المللی در دانشگاه شهید بهشتی بوده که به بحث و نتیجه‌گیری درباره نتایج به‌دست‌آمده پرداخته می‌شود؛ اعضای هیئت علمی «ضعف در فضای اجتماعی جذاب و برانگیزنده» را مهم‌ترین چالش فرهنگی آموزش عالی بین‌المللی دانسته‌اند و پس از آن، عمده‌ترین چالش‌ها را «ارتباطات فرهنگی و اجتماعی ضعیف با کشورهای همسایه، داشتن دیدگاه‌های بدبینانه نسبت به گسترش آموزش عالی بین‌المللی و انعطاف‌ناپذیری در مواجهه با فرهنگ‌های دیگر» بیان کرده‌اند. نتایج حاضر با «پژوهش‌های بزرگمهری که آمادگی محیط عمومی جامعه برای استقبال از میهمانان بیگانه و وجود سطحی قابل‌پذیرش از جاذبه‌های فرهنگی و اجتماعی را برای جذب دانشجویان خارجی لازم می‌دانست [۳۷]، فتحی و واجارگاه و همکاران که معرفی نکردن فرهنگ و ارزش‌های خود در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی را از موانع فرهنگی بین‌المللی شدن برنامه‌های درسی می‌دانستند [۳۸]، راسین و همکاران^۱ که برای درک بهتر عوامل مشوق جذب دانشجویان خارجی، زمینه‌های اجتماعی و جغرافیایی را تأثیرگذار می‌دانستند [۲۰]، رُمن و سُسبو که عوامل فرهنگی/اجتماعی را از مهم‌ترین

موانع جابه‌جایی دانشجویان مطرح کرده‌اند [۳۱] و دیویس^۲ که عوامل فرهنگی را برای فهمیدن پدیده آموزش عالی بین‌المللی لازم می‌داند [۲۹]» همخوانی دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده و همخوانی با پژوهش‌های گذشته به احتمال زیاد می‌توان چنین استنباط کرد که چالش‌های فرهنگی از دلایل عدم گسترش آموزش عالی به‌شمار می‌آیند.

اعضای هیئت علمی «عدم اعطای استقلال به دانشگاه‌ها برای جذب دانشجویان خارجی» را مهم‌ترین چالش ساختاری آموزش عالی بین‌المللی دانسته‌اند و پس از آن، عمده‌ترین چالش‌ها را «ساختار سازمانی نامناسب برای ارتباطات و همکاری‌های بین‌المللی، نداشتن راهبردها و اهداف جامع در زمینه گسترش آموزش عالی بین‌المللی و کم‌رنگ بودن نقش آموزش عالی بین‌المللی در اسناد بالادستی» بیان کرده‌اند. نتایج حاضر با «پژوهش‌های اسمیت و ری^۳ که بیان می‌کنند دولت نیوزیلند برای اینکه تعداد دانشجویان خارجی را افزایش دهد، اصلاحات ساختاری در نظام آموزش عالی خود ایجاد کرد و به دانشگاه‌ها اجازه داد متولی آموزش عالی بین‌المللی باشند [۳۹] و مرشدی^۴ که بیان می‌کند ورود دانشجویان خارجی به مالزی، رشدی باثبات داشته به‌ویژه از زمانی که مجموعه‌ای از اصلاحات ساختاری در

2. Davis

3. Smith & Rae

4. Morshidi

1. Racine et al

در دانشگاه‌ها» را مهم‌ترین چالش فناوریانه آموزش عالی بین‌المللی دانسته‌اند و پس از آن، عمده‌ترین چالش‌ها را «کمبود امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری در عرصه فناوری‌های جدید، دسترسی محدود به وب‌سایت‌های علمی و بانک‌های اطلاعاتی تخصصی و کمبود تجهیزات و دانش فنی برای بین‌المللی‌شدن دانشگاه‌ها» بیان کرده‌اند. نتایج حاضر با «پژوهش فتحی و اجارگه و همکاران که بیان می‌کنند توجه‌نکردن به فناوری‌های جدید نظیر پست الکترونیکی، فقدان امکانات سخت‌افزاری مناسب در عرصه اینترنت و عدم استفاده از شبکه‌های الکترونیکی از موانع بین‌المللی‌شدن برنامه‌های درسی هستند [۳۸]» همخوانی دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده و همخوانی با پژوهش‌های گذشته به احتمال زیاد می‌توان چنین استنباط کرد که چالش‌های فناوریانه از دلایل عدم گسترش آموزش عالی بین‌المللی به‌شمار می‌آیند.

اعضای هیئت علمی، «کمبود بودجه دانشگاه‌ها در راستای بین‌المللی‌شدن» را مهم‌ترین چالش مالی آموزش عالی بین‌المللی دانسته‌اند و پس از آن، عمده‌ترین چالش‌ها را «کمبود اعتبارات علمی (گرنه) استادان برای شرکت در همایش‌های خارجی، کمبود اعتبارات برای اعطای بورس به دانشجویان خارجی و کمبود اعتبارات برای تجهیز دانشگاه‌ها به فناوری‌های نوین» بیان کرده‌اند. نتایج حاضر با «پژوهش رمن و سسیو که کمبود حمایت‌های مالی را از مهم‌ترین موانع جابه‌جایی دانشجویان خارجی مطرح کرده‌اند [۳۱]، نایت و دی ویت که دلایل اقتصادی و مالی را برای جذب دانشجویان خارجی و گسترش آموزش عالی بین‌المللی لازم دانسته‌اند [۴۰] و راسین و همکاران که عوامل اقتصادی را در جذب دانشجویان خارجی مؤثر می‌دانند [۲۰]» همخوانی دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده و همخوانی با پژوهش‌های گذشته به احتمال زیاد می‌توان چنین استنباط کرد که چالش‌های مالی از دلایل عدم

نظام آموزش عالی این کشور رخ داده‌است [۳۳]» همخوانی دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده و همخوانی با پژوهش‌های گذشته به احتمال زیاد می‌توان چنین استنباط کرد که چالش‌های ساختاری از دلایل عدم گسترش آموزش عالی بین‌المللی به‌شمار می‌آیند.

اعضای هیئت علمی، «بسته‌بودن درب‌های آموزش عالی برای اجرایی کردن طرح‌های جدید» را مهم‌ترین چالش دیپلماتیک آموزش عالی بین‌المللی دانسته‌اند و پس از آن، عمده‌ترین چالش‌ها را «مشکلات صدور ویزا و رواید، روابط و تعامل‌های علمی با کشورهای محدود، به‌رسمیت‌نشناختن مدارک تحصیلی دانشگاه شهید بهشتی در سایر کشورها، عدم تسهیل ورود دانشمندان و استادان برجسته خارجی به کشور، احساس نیازنکردن به افزایش دانشجویان خارجی از طرف دولتمردان و معرفی‌نکردن توانمندی‌های علمی دانشگاه‌ها به سایر کشورها» بیان کرده‌اند. نتایج حاضر با «پژوهش‌های بزرگمهری که نزدیکی مواضع سیاسی را از عوامل اصلی درزمینه جذب دانشجویان خارجی می‌داند [۳۷]، فتحی و اجارگه و همکاران که موانع سیاسی را از مهم‌ترین موانع بین‌المللی‌شدن برنامه‌های درسی می‌دانند [۳۸]، دیویس که عوامل سیاسی و دیپلماتیک را برای فهمیدن پدیده جذب دانشجویان خارجی لازم می‌داند [۲۹] و نایت و دی ویت^۱ ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک را از مهم‌ترین عوامل جذب دانشجویان خارجی و گسترش آموزش عالی بین‌المللی می‌دانند [۴۰]» همخوانی دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده و همخوانی با پژوهش‌های گذشته به احتمال زیاد می‌توان چنین استنباط کرد که چالش‌های دیپلماتیک از دلایل عدم گسترش آموزش عالی بین‌المللی به‌شمار می‌آیند.

اعضای هیئت علمی، «کمبود آزمایشگاه‌های به‌روز

1 . Dewit

گسترش آموزش عالی بین‌المللی به‌شمارمی‌آیند.

اعضای هیئت علمی، «عدم ارائه بخشی از برنامه‌های آموزشی به زبان انگلیسی» را مهم‌ترین چالش دانشگاهی آموزش عالی بین‌المللی دانسته‌اند و پس از آن، عمده‌ترین چالش‌ها را «برگزاری محدود نشست‌ها و همایش‌های بین‌المللی، ارائه خدمات حمایتی پایین به دانشجویان خارجی نظیر اسکان، مشاوره تحصیلی و ...، نداشتن ارتباطات مستمر با دانشگاه‌های برتر جهان، مشارکت محدود اعضای هیئت علمی در طرح‌های تحقیقاتی بین‌المللی، عضویت تعدادی محدود از استادان در مجامع و انجمن‌های بین‌المللی و کاربرد محدود فناوری‌های نوین در آموزش و تدریس دانشگاهی» بیان کرده‌اند. نتایج حاضر با «پژوهش آراسته که از علل اصلی عدم جذب دانشجویان خارجی را استفاده از زبان فارسی به‌عنوان تنها زبان آموزشی در دانشگاه‌های کشور می‌داند [۴۱]، بزرگمهری که یکی از مهم‌ترین موانع جذب دانشجویان خارجی را زبان آموزشی دانشگاه‌های کشور می‌داند [۳۷] و وربیک و لیزنسکی که تدریس به زبان انگلیسی را از عوامل تأثیرگذار در آموزش عالی بین‌المللی می‌دانند [۳۰]» همخوانی دارد. با توجه به یافته‌های به‌دست‌آمده و همخوانی با پژوهش‌های گذشته به‌احتمال زیاد می‌توان چنین استنباط کرد که چالش‌های دانشگاهی از دلایل عدم گسترش آموزش عالی بین‌المللی به‌شمارمی‌آیند.

در راستای نتایج پژوهش حاضر می‌توان به مسئولان سیاسی و دیپلماتیک کشور پیشنهاد کرد که تلاش کنند تا پیشرفت‌های علمی دانشگاه‌های ایران را به مردمان سایر کشورها بشناسانند؛ به مسئولان فرهنگی کشور می‌توان پیشنهاد کرد که باید پیشاپیش، شرایط جامعه را برای گسترش آموزش عالی بین‌المللی فراهم کنند و دیدگاه‌های چندفرهنگی را در جامعه گسترش دهند؛ به مسئولان دانشگاهی می‌توان پیشنهاد کرد که به این نکته توجه کنند که رمز موفقیت در سطح جهانی، تدریس

هرچه بیشتر به زبان انگلیسی است و در واقع، زبان انگلیسی به‌عنوان اصلی‌ترین زبان علمی دنیا مطرح است و تسلط بر این زبان، تاحدودی، عامل موفقیت در زمینه‌های علمی محسوب می‌شود اما استفاده از زبان انگلیسی به معنای کنار گذاشتن زبان ملی نیست بلکه ما باید ضمن توجه به زبان ملی، زبان انگلیسی را هم در دانشگاه‌ها گسترش دهیم تا بتوانیم تولیدهای علمی خود را به تمام دنیا صادر کنیم. در پایان، چند راهکار در زمینه سیاست گسترش آموزش عالی بین‌المللی ارائه شده است:

- استفاده هرچه بیشتر از زبان انگلیسی در تدریس و آموزش؛

- اعطای استقلال به دانشگاه‌ها برای گسترش آموزش عالی بین‌المللی؛
- برقراری ارتباطات علمی هرچه بیشتر با دانشگاه‌های برتر جهان؛
- آماده کردن محیط فرهنگی جوامع علمی کشور برای استقبال از دانشجویان خارجی و گسترش آموزش عالی بین‌المللی؛
- استفاده از تجارب کشورهای موفق در زمینه گسترش آموزش عالی بین‌المللی.

9. Grünzweig, W., & Rinehart, N. (Eds.). (2002). rockin' in Red Square: Critical approaches to international education in the age of cyberculture. Münster, Germany: LIT.
10. Tremblay, K. (2005). Academic mobility and immigration [Electronic version]. Journal of Studies in International Education, 9, 196-228.
11. Leask, B. (2004). Internationalization outcomes for all students using information and communication technologies (ICTs) [Electronic version]. Journal of Studies in International Education, 8, 336-351.
12. Knight, J. (2006). Internationalization of higher education: New directions, new challenges. Paris: International Association of Universities.
13. Altbach, P. G., & Teichler, U. (2001). Internationalization and exchanges in a globalized university. Journal of Studies in International Education, 5, 5-25.
14. Kerr, C. (1990). The internationalization of learning and the nationalization of the purposes of higher education: Two laws of motion in conflict? European Journal of Education, 25, 5-22.
15. Otten, M. (2003). Intercultural learning and diversity in higher education [Electronic version]. Journal of Studies in International Education, 7, 12-26.
16. Knight, J. (2005) 'Borderless, offshore, transnational and cross-border education: definition and data dilemmas'. London: The Observatory on Borderless Higher Education Report, October. Available at: <http://www.obhe.ac.uk> (accessed 13 November 2005).
17. Hayden, m. C. Thompson, j. J. And williams, g. (2003) 'Student perceptions of international education: a comparison by course of study undertaken'. Journal of Research in International Education 2(2): 205-32.
18. Wiley, D. (2001) 'Forty years of the title VI and Fulbright-Hays international education programs: building the nation's international expertise for a global future', in P. O'Meara, H.D. Mehlinger, and R.M. Newman (eds) Changing Perspectives on International Education, pp. 11-29. Bloomington and Indianapolis: Indiana University Press.

منابع

1. Knight, J. (1997). Internationalization of higher education: A conceptual framework, Internationalization of higher education in Asia Pacific countries (pp. 5-19). Amsterdam: European Association for International Education (EAIE), in cooperation with IDP Education Australia and the Programmed on Institutional Management in Higher Education (IMHE) of the Organization for Economic Cooperation and Development (OECD).
۲. وحدت، محمدعلی و کرامت‌ا... زیاری (۱۳۸۱)؛ «دانشگاه‌ها در فرایند جهانی شدن»، مجموعه مقالات چهل و هفتمین نشست رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی کشور؛ ج ۱ تهران: نشر سازمان سنجش.
۳. جاودانی، حمید (۱۳۸۸)؛ «جهانی شدن و آموزش عالی، گسست میان نظریه تا کنش: راهبردهایی نوین برای توسعه آموزش عالی ایران»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی؛ ش ۵۳، صص ۱۰۷ تا ۱۳۱.
4. MC taggart, R and James Cook (2003). Internationalization of the Curriculum <http://www.jcu.edu.au>
5. Dewit, H. (2002). Internationalization of higher education in the United States of America and Europe: A historical, comparative, and conceptual analysis. Westport, CT: Greenwood.
6. Knight, J. (2004); Internationalization Remodelled: Definition Approaches, and Rationales, Journal of Studies in International Education, Vol. 8 No. 1, and spring 2004.
7. Jackson, M.G. (2003); Internationalising the University Curriculum in Journal of Geography in Higher Education Vol. 27 No. 3 pp. 331-340.
8. Lefter, V. and A.M. Bogdan (2007). Managementul academic al relațiilor Internaționale, in Revista Management & Marketing, Issue 1/2007, Bucharest, pp. 79-86.

- در برنامه‌های درسی آموزش عالی»، دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی؛ سال ۱۳۸۷، ش ۱، صص ۸ تا ۲۰.
28. OECD (2008). Education at a Glance: The full text of this book is available on line via this link: http://www.oecd-ilibrary.org/education/education-at-a-glance-2008_eag-2008-en
29. Davis, T. (1995). Flows of international students: Trends and issues. International Higher Education.
30. Verbik, L. and Lasanowski, V (2007). International Student Mobility: Patterns and Trends, the Observatory on borderless higher education.
31. Roman, M. And Suci, Ch (2007). International Mobility of Romanian Students in Europe: From Statistical Evidence to Policy Measures, The Romanian Journal of Education Studies, No. 5-6/2007.
32. Shimbun, Y (2007). 1 million foreign students by 2025, April 19.
33. Morshidi, S (2008). The Impact of September 11 on International Student Flow Into Malaysia: Lessons Learned. International Journal of Asia-Pacific Studies, 4 (1). pp. 79-95. ISSN 1823-6243.
34. Bain, O. Luu, D. & Madeleine F. Green (2006). Students on the Move: The Future of International Students in the United States. ACE Center for International Initiatives.
۳۵. فتحی و اجارگاه، کورش و طلعت دیا و اجاری (۱۳۸۸): «دانشگاه‌های مجازی بین‌المللی رویکردی بین‌المللی/بین‌رشته‌ای در آموزش عالی»، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی؛ سال اول، ش ۳، صص ۶۷ تا ۹۶.
۳۶. گزارش ملی آموزش عالی، تحقیقات و فناوری ایران (۲۰۰۹). قابل دسترسی در: <http://www.irphe.ir/FA/National%20Report/nationalreport.aspx>
19. Nicolescu, L, Pricopie, R and Popescu. (2009). Country Differences in the Internationalization of Higher Education – How can Countries Lagging behind Diminish the Gap, Review of International Comparative Management, Vol: 10 No: 5.
20. Racine, N. Villeneuve, P. & Marius Thériault (2003). Attracting Foreign Students: The Case of Two Universities in Québec, Journal of Studies in International Education, Vol. 7 No. 3, and fall 2003 241-252.
21. Ebersole, F, J (1999). The challenge and the promise of international education, continuing higher education, review, Vol, 63, P 102.
22. Back, K, Davis, Olsen, A (1999). Internationalization Higher Education, Goals and Strategies, higher education through open and distance learning, Keith Harry, Routledge Press, P 18.
۲۳. زمانی‌منش، حامد؛ کورش فتحی و اجارگاه و علی جعفری‌راد (۱۳۹۰): «بررسی موانع درون دانشگاهی و برون دانشگاهی جذب دانشجویان خارجی از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی»، مجموعه مقالات اولین همایش بین‌المللی مدیریت آینده‌نگری، کارآفرینی و صنعت در آموزش عالی؛ ایران: دانشگاه کردستان.
24. OECD (2010). Education at a Glance The full text of this book is available on line via this link: <http://www.sourceoecd.org/education/9789264055988>
25. Institute of International Education. (2009). Global destinations for international students at the post - secondary (tertiary) level 2008. Retrieved May 31 2009, from <http://www.atlas.iienetwork.org/?p=48027>
26. Bohem, A, Davis, T, Meares, D, & D, Pearce. (2002). Global student mobility 2025: Forecasts of the global demand for international higher education. IDP Education Australia.
۲۷. عارفی، محبوبه؛ باقر حجازی و راضیه قاهری (۱۳۸۷): «تأثیرات ارتباطات بین‌المللی آموزش عالی

39. Smith, L and Rae, A (2006). Coping With Demand: Managing International Student Numbers at New Zealand Universities, *Journal of Studies in International Education*.
40. Knight, J. & H. De wit (1997), *Internationalization of higher education in Asia pacific countries*. Amsterdam: European association for international education.
۴۱. آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۵): «همکاری‌های بین‌المللی آموزش عالی در ایران و چگونگی بهبود آن»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی؛ دوره دوازدهم، ش ۱، بهار ۱۳۸۵، شماره پیاپی ۳۹، صص ۹۹ تا ۱۱۵.
۳۷. بزرگمهری، مجید (۱۳۸۵): «پذیرش دانشجویان خارجی در کشور: تجربیات و راهکارها»، مجله سیاسی-اقتصادی؛ ش ۲۳۳ و ۲۳۴، بهمن و اسفند ۱۳۸۵، صص ۱۸۸ تا ۱۹۵.
۳۸. فتحی واجارگاه، کورش؛ عذرا زارع و محمد یمنی (۱۳۸۸): «بررسی موانع بین‌المللی برنامه‌های درسی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از دیدگاه اعضای هیئت علمی (مورد دانشگاه شهید بهشتی)»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی؛ ش ۵۴، صص ۶۳ تا ۸۲.